

## در تشریح فلسفه احکام باید از ظن و گمان پرهیز کرد

احکام و دستورات جامع دین اسلام شامل دو دسته عمده است: یکی دستورات مربوط به تکمیل و تهذیب هر فرد از افراد اجتماع که در صورت پیروی از آنها، هر فردی بکمال انسانیت میرسد و دارای نفس پاک و روحی ملکوتی میگردد و در هر دو جهان خوشبخت میشود. دیگر احکام و قوانین مربوط به همبستگی افراد و نظام احسن اجتماعات در صورتیکه افراد جامعه باین دستورات رفتار کنند از چنان اجتماعاتی مدینه عاشقه و تمدن و فرهنگی عالی و انسانی پدید می آید و افراد بایکدیگر در بهترین عمده بستنی مسالمت آمیز و صفانگیز بسر میبرند.

مسئله اول شامل عبادات و طهارات از قبیل نماز و روزه و حج و جهاد و شرایط و فروع هر یک میباشد و دسته دوم شامل براموری است که ارتباط بمعاش و نظام اجتماعات و همبستگی افراد با یکدیگر دارد از قبیل مسائل حقوقی (عقود و ایضاعات) و امور جزائی و احکام و سیاسات (قصاص و دیات و فرائض و غیر آنها).

در مسئله اول ما چنانچه سابقاً فقط با خداوند است و شرایط اصلی قبول عبادات، قصد قربت و خلوص نیت و تحریم و نتیجه آن تهذیب اخلاقی و تکمیل قوای روحانی و رسیدن بمقام عالی انسانی است در صورتیکه مسائل و احکام دسته دوم منظور همبستگی مسالمت آمیز افراد با یکدیگر و بهبودی وضع معاش و زندگی این جهان و آبادی مراکز اجتماع مردم میباشد.

در گذشته و مسائل عملی در آنجا که از عبادتها بحث میشود، نخست درباره قصد قربت و حضور و صفای قلب و حال بودن نسبتاً آرایش ریب دریا و منافع مادی بنفصیل گفتگو شده است.

چنان نیست و قصد قریشی. بیفین جرارداء ایمان و قصد صرف (۱) از راه دیگری، بدست نمی آید. هر نوع چون و چرا و سودجویی اگر نت گزاردند عبادت را آلوده کند آن عبادت از قصد قربت دور میشود و خاصیت و نتیجه اصلی آن از میان میرود. کسانی که از روی ایمان و عرفان و از روی نیت خالص و قصد قربت در ساعات خود و دل ذنب عبادت بخدای بکنایم بر دارند و در هر حال هر مقام پیروی از دستورانش میکنند؛ از خود عبادت چنان لذت و حظی می برند که هیچیک از لذایذ نفسانی و جسمانی جاها آن را نمیگیرد، این است فلسفه و علت حقیقت عبادت.

در واقع عبادت گران، بهر لغات و لهجه ها باخته و مسود بمنزله مشوق حقیقی است و دوست داشتن عاشق را مشوق خدا و بسیار و شایسته ای گفتن؛ هرگز بقصد دریافت پاداش و رسیدن بسود و بهره ای نیست بلکه انگیزه آن قطعه همان عشق و شوق است. و عاشق هرگز برای عشق و دوستی دوست داشتن، دنبال فلسفه و علت نمیرود (۲)

این معنی هر از اینبار؛ در عبودیت و عبادت که نتیجه عشق و اوقی عبادت گران میشود حقیقی و مسود علی الاطلاق است؛ بیغتر است از عبادت های ظاهری و مجازی.

از آنچه باختصار گفته شد، بخوبی روشن میگردد که فلسفه و علت و سود عبادت در خود آنها نیفته است و اگر عبادت گزاردی، بشکل و دریافت سود و بهره ای محسوس و محدود، در مقام بندگی و عبودیت بر آید همچون سوداگری است که عبادت خود را وسیله سودجویی و بارگانی قرار دهد این معنی منافات ندارد که هر مسلمان مکتبی با اندازه توانایی و دانی خود در باره

۱- می دانیم بعد از نظر ادبی و لغوی با کلمات عید و عبادت هم ریشه است و این معنی گاه موافق است با حقیقت عبادت که بندگی و ستایش خداوند است بقصد شایستگی و بروردگداری او به بامید بیشتر از دوزخ چنانکه سرور مؤمنان و پیشوای پرستار گاران علی (ع) فرمودند: «عبادت الله خوفان ناره و الاطمعا فی جنته بل وجوده اهللا لامراده (خدا را برای ترس از آتش و امید به بهشت او پرستش میکنم بلکه او را شایسته پرستش یافتم.)

۲- مفسر بزرگ و بررگوار شیخ طبرسی در کتاب التیسر فی حقه جامع الجوامع در تفسیر آیه کریمه ایاک نعبد و ایاک نستعین چنین نوشته است: «عبادت آخرین در جانشین و مستهای مرتبه و ثنوی و کوچکی است و از این رو جز برای خداوند که بزرگترین نعمت از جانب اوست برای وجود دیگری شایسته نیست، معلوم است که عمل بسیار و شکر برای فلسفه و علت انجام نماند بلکه شایستگی عبودیت و شوق و شوق عبادت گران گنبد عبادت است.

دوش صحیح بر گزاردی عبادات؛ بحث و فحص کند و آنچه را قرآن بدان گوید یا از پیغمبر و امامان رسیده است بهمان کیفیت که دستور داده شده است انجام دهد.

و نیز بطریق احوال و از روی ایمان بقرین پیدا کند که انجام هر یک از عبادات (اعم از واجبات و مستحبات) و دوری از کارهای ناروا (چه محرمان و چه مکروهات) برای وی سودهای فراوان دارد و خیر و صلاح او را درین چنان و آن جهان فراهم میکند اما اینکه بشخصیل خواسته باشد علت کیفیت و کمیت یکی یکی از عبادات و فلسفه و تشریح آنها را بدست آورد و علت را محدود کند در آنچه خود فهمیده است؛ گذشته از اینکه این گمان بقصد قربت و خلوص نیت وی زیان وارد می آورد؛ نتیجه درستی هم ازین کنج کاوی بیبوهه بدست نخواهد آمد.

کسانی که از روی گمان و قیاس برای احکام عبادی فلسفه و علت بیان کنند در بسیاری از موارد در راهی گام میزند که خداوند باره آنان فرموده است: «هل کذبوا یا لم یعلمه و لسا یانهم تاویل» (۱) و پیامبر در ارزش چنین گمانها و قیاسها چنین فرموده است: «من عمل بالمعایس فقد حلك و املك (۲)

جبهه از صفحه ۲۹ استیارات رهبران آسمانی

آنرا ندارد می گیرند و از این نظر بریت چشمگیری بر دیگران دارند.

قرآن کریم این ایراد را از عنکران اصل لزوم بعثت پیامبران نقل کرده است، آنجا که میفرماید: «قَالُوا اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا ... و لی بلافصله به آن چنین پاسخ میگوید: «قَالَتْ رَسُوْلُهُمْ اِنْ نَحْنُ اِلَّا اَنْشُرٌ مِّثْلِكُمْ و لَكِنَّ اِللهَ یَعْنُ عَلٰی مَنْ یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ... (ایرمان ۱۰-۱۱)

«چنین قرآن با جمله «قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی... به نقطه اشتراک پیامبران که با مبدء بیشتر ترس از دوزخ چنانکه سرور مؤمنان و پیشوای پرستار گاران علی (ع) فرمودند: «عبادت الله خوفان ناره و الاطمعا فی جنته بل وجوده اهللا لامراده (خدا را برای ترس از آتش و امید به بهشت او پرستش میکنم بلکه او را شایسته پرستش یافتم.)

۲- مفسر بزرگ و بررگوار شیخ طبرسی در کتاب التیسر فی حقه جامع الجوامع در تفسیر آیه کریمه ایاک نعبد و ایاک نستعین چنین نوشته است: «عبادت آخرین در جانشین و مستهای مرتبه و ثنوی و کوچکی است و از این رو جز برای خداوند که بزرگترین نعمت از جانب اوست برای وجود دیگری شایسته نیست، معلوم است که عمل بسیار و شکر برای فلسفه و علت انجام نماند بلکه شایستگی عبودیت و شوق و شوق عبادت گران گنبد عبادت است.

۱- سوره بقره ص: ۴۰ - ۲ - کافی ج ۱ چاپ جدیدی

۳- شرح تفسیر علامه ص ۲۱۷ چاپ سیداء و شرح تفسیر نظام الدین قوشچی